

سوپر بلوم ار تباطی:وقتی شکوفایی مجازی به پژمردگی حقیقی می‌انجامد

جلال بدوی (روانشناس و نویسنده)

در عصر کنونی، هر روز با واژه "شکوفایی" در فضای مجازی روبرو می‌شویم؛ شکوفایی در ارتباطات، دسترسی به اطلاعات و جهانی شدن. انبوهی از پلتفرم‌ها، از اینستاگرام و تلگرام گرفته تا تیک‌تاک و واتس‌آپ، مانند گل‌هایی رنگارنگ، در منظری پهناور به نام "فضای مجازی" شکفا شده‌اند. این پدیده، که می‌توان آن را "سوپر بلوم ارتباطی" نامید، در ظاهر بسیار دلربا و کارآمد است. اما به عنوان یک روانشناس، همواره این سوال ذهن مرا درگیر می‌کند: آیا این شکوفایی دیجیتالی، حقیقتاً به شکوفایی و بالندگی روانی ما نیز منجر شده است؟ یا اینکه در پس این "سوپر بلوم" ظاهری، بذریه‌های معضلات عمیقی پنهان شده‌اند که می‌توانند ریشه‌های ارتباطات انسانی، سلامت روان و حتی بنیان خانواده ما را بخشکانند؟ امروز، در مجله "جهان اخبار"، قصد دارم به برخی از این معضلات پنهان، از جمله خودشیفتگی دیجیتال، تأییدطلبی بی‌حدوحصر و مشکلات ارتباطی ناشی از غرق شدن در این اقیانوس پلتفرم‌ها، و همچنین لزوم آموزش و آگاهی در این زمینه بپردازم.

خودشیفتگی دیجیتال: آینه تمام‌نمای نیاز به تأیید در هجوم پلتفرم‌ها

همین تعدد و دسترسی آسان به پلتفرم‌های متنوع است که زمینه‌ساز "خودشیفتگی دیجیتال" شده است. اینستاگرام، با تمرکز بر تصویر، بستری را برای نمایش بی‌وقفه بهترین لحظات زندگی فراهم می‌کند؛ تیک‌تاک، میدان رقابتی برای جلب توجه با محتوای کوتاه و جذاب است؛ و حتی در واتس‌آپ، وضعیت‌ها (Status) به ابزاری برای به اشتراک گذاشتن روزمرگی‌ها و انتظار برای دیده شدن تبدیل شده‌اند. به هر پست، هر عکس ویرایش‌شده و هر ویدیوی سلفی که در این پلتفرم‌های گوناگون منتشر می‌کنیم، در پی کسب تأییدی هستیم که گویی تنها معیار ارزشمندی ما در این جهان پرقاب‌ت است.

این نیاز به تأیید، که ریشه‌های روانشناختی عمیقی دارد، در فضای مجازی به "خودشیفتگی دیجیتال" دامن می‌زند. هر لایک، هر کامنت مثبت و هر فالور جدید، پاداشی است که مغز ما را با دوپامین سیراب می‌کند و ما را به چرخه‌ای بی‌پایان از نمایش و انتظار در پلتفرم‌های مختلف می‌کشاند. ما ناخواسته به رقابت پـر سر "بهتر بودن" و "زیباتر دیده شدن" در هر یک از این پلتفرم‌ها وارد می‌شویم و این پدیده، نه تنها به تقویت کاذب عزت نفس می‌انجامد، بلکه در صورت عدم دریافت پاداش کافی، می‌تواند منجر به اضطراب، افسردگی و حس ناکافی بودن شود. ما به مقایسه دائمی خود با زندگی‌های "کامل" و فیلترشده دیگران در فیدهای بی‌پایان پلتفرم‌های مختلف می‌پردازیم و از زندگی واقعی خود نازا می‌شویم. این همان نقطه‌ای است که "شکوفایی" ارتباطی به "پژمردگی" روانی بدل می‌گردد، چرا که در پس هر لبخند ژست‌گونه در عکس، ممکن است روحی تشنه تأیید و در هراس از نادیده گرفته شدن پنهان شده باشد.

مشکلات ارتباطی: از عمق به سطح در میان انبوهی از گزینه‌ها و تأثیر بر خانواده

شاید بزرگ‌ترین پارادوکس فضای مجازی این باشد که با وجود "فناوری‌های ارتباطی" پیشرفته و تعدد پلتفرم‌ها، ما در حال از دست دادن عمق و کیفیت ارتباطات انسانی هستیم. هر پلتفرم، شیوه خاص خود را برای ارتباط دارد؛ از پیام‌های فوری تلگرام و واتس‌آپ گرفته تا کامنت‌گذاری در اینستاگرام و توثیت‌کردن در ایکس (توییتر سابق). این تنوع، به جای تسهیل ارتباط عمیق، ما را به سمت تعاملات سطحی سوق می‌دهد. ارتباطات حقیقی، نیازمند حضور، گوش دادن فعال، همدلی و درک متقابل است. اما در فضای مجازی، پیام‌های متنی کوتاه، ایموجی‌ها و برقراری ارتباط با چندین نفر به صورت هم‌زمان در پلتفرم‌های مختلف، جایگزین این تعاملات عمیق شده‌اند.

نتیجه این تغییر، کاهش توانایی ما در برقراری ارتباطات مؤثر در دنیای واقعی است. این معضل به ویژه در سطح خانواده‌ها به چشم می‌خورد؛ جایی که تعاملات و ارتباطات بین زوجین مختل شده و گوشی‌های هوشمند گاهی به دیواری نامرئی بین اعضای خانواده بدل می‌شوند. فرزندان نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند، چرا که والدین، ناخواسته، زمان و توجه خود را به سمت پلتفرم‌ها هدایت می‌کنند و کیفیت ارتباط با کودکان کاهش

پل عنافچه؛ وعده‌های نا تمام و انتظار بی پایان ساکنان

سال‌هاست که ساکنان عنافچه در انتظار تکمیل پل حیاتی بر روی رودخانه کارون هستند، اما تأخیرهای مکرر در احداث این پروژه، زندگی مردم این منطقه را

با چالش‌های جدی مواجه کرده است. پل عنافچه که قرار است ۴۲ روستای این دهستان را به شهر ملاتانی و مرکز شهرستان باوی متصل کند، از سال ۱۳۹۸ در دست احداث است. با وجود تزریق اعتبارات اخیر و وعده بهره‌برداری در ماه‌های آینده، تأخیرهای طولانی‌مدت، اعتماد ساکنان منطقه را خدشه‌دار کرده است. برای



تلاش آمریکا برای محدودسازی قدرت نظامی ایران:

قدرت نظامی جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از موضوعات حیاتی در سیاست‌های داخلی و خارجی ما بوده است. در سال‌های اخیر، به‌ویژه در یک سال اخیر، سردمداران آمریکایی با صراحت به دنبال محدود کردن قدرت نظامی ایران بوده‌اند. این تلاش نه تنها به‌عنوان یک اقدام تنش‌آمیز بلکه به‌عنوان بخشی از استراتژی کلی آمریکا برای محافظت از منافع خود در منطقه قابل بررسی است.

هدف آمریکا:

برای برهم زدن توازن منطقه‌ای:

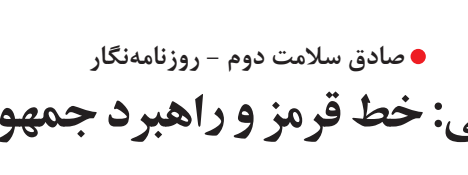
بدیهی است که هدف آمریکایی‌ها خلع سلاح ایران است. آنها به دنبال آن هستند که از طریق فشارهای اقتصادی و نظامی، توانمندی‌های ایران را کاهش دهند تا هم‌زمان بتوانند حملاتی را علیه ما توسط خود یا از طریق رژیم صهیونیستی انجام دهند. به عبارتی دیگر، این فشارها بخشی از یک نقشه بزرگ‌تر برای ایجاد عدم تعادل در قدرت منطقه‌ای هستند. قطعاً این سیاست به کاهش



هر شهری از مردم تشکیل شده است. فضاهای عمومی، معابر، پارک‌ها، خدمات شهری و حتی تصمیمات عمرانی، همه و همه بر زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، مناطقی است که شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری نقش داشته

باشند. مفهوم مردم‌محوری در مدیریت شهری به این ایده بازمی‌گردد که توسعه شهر بدون مشارکت شهروندان، توسعه‌ای ناقص و غیرپایدار است. این رویکرد در شهرهای پیشرفته دنیا به خوبی عملیاتی شده است، جایی که شهروندان در طراحی خیابان‌ها، برنامه‌های محیط زیستی، توسعه حمل‌ونقل عمومی و حتی تعیین بودجه شهری دخیل هستند. اما در بسیاری از شهرهای ما، مدیریت شهری هنوز به شیوه سنتی و بدون مشارکت عمومی انجام می‌شود. تصمیم‌گیری‌هایی که بدون مشورت با شهروندان گرفته می‌شوند، اغلب با عدم رضایت عمومی، عدم همراهی و گاهی تنش‌های اجتماعی همراه است. در حالی که اگر شهروندان احساس کنند درباره آینده شهرشان صحبت

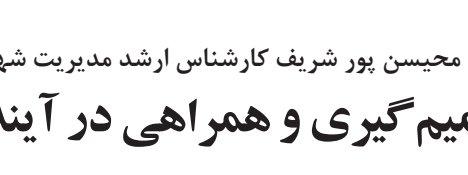
بسیاری از مردم عنافچه، این پل نه تنها یک زیرساخت بلکه نمادی از امید به زندگی بهتر است که همچنان در انتظار تحقق باقی مانده است. عباس ۴۵ ساله، پدر دو دختر دانش‌آموز ۱۲ و ۱۵ ساله، یکی از ساکنان دهستان عنافچه است که هر روز با نگرانی‌های فراوان، فرزندانش را برای رفتن به مدرسه در ملاتانی همراهی



قدرت نظامی ایران در برابر اسرائیل و دیگر کشورهای محور مقاومت منجر خواهد شد. در تاریخ معاصر، کشورهایی مانند لیبی و عراق نمونه‌های بارزی از عواقب فقدان قدرت نظامی در برابر ایالات متحده هستند؛ در این کشورها، کاهش توان دفاعی به کشته شدن و تسلیم مطلق در برابر زورگویی‌های آمریکا منجر شد. هیچ آدم عاقلی حاضر نیست قدرتی را که به دست آورده است، به سادگی از دست بدهد. به‌خصوص وقتی که این قدرت برای یک کشور مانند ایران، که چندین دهه تحت فشار سلطه‌جویان بوده، به یک خط قرمز تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران با اتکای به مردان و زنان با اراده و قوی، توانسته است نیرویی بسیار قوی و متنوع را تولید کند. این قدرت نظامی به ما امکان می‌دهد تا در برابر تهدیدات خارجی مقاوم باشیم و از تمامیت ارضی و استقلال خود دفاع کنیم.

پیامدهای تسلیم در برابر فشارهای آمریکا:

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت برتر در سطح جهانی، به ویژه در آب، زمین، هوا و فضا، نباید در برابر خواسته‌های آمریکا تسلیم شود. تاریخ نشان می‌دهد که تسلیم شدن به خواسته‌های قدرت‌های بزرگ می‌تواند عواقب وخیمی به همراه داشته باشد. مسلماً وضعیت



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

می‌کند. او که کشاورز است و درآمد محدودی دارد، به خبرنگار مهر می‌گوید: هر روز صبح که دخترهایم را به پل شناور می‌برم، دلم می‌لرزد. این پل نه تنها قدیمی و ناامن است بلکه در فصل بارندگی گاهی کاملاً غیرقابل استفاده می‌شود.



عراق و لیبی برای ایران یک زنگ خطر محسوب می‌شود. کشورهای مذکور پس از تسلیم به فشارهای خارجی، توان دفاعی و خودمختاری خود را از دست داده و در نهایت دچار نابودی و هرج و مرج شدند.

حفظ قدرت نظامی: کلید استقلال و امنیت ملی ایران:

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران باید به‌عنوان یک کشور مستقل و دارای قدرت نظامی، در برابر هرگونه تهدید و فشار ایستادگی کند. حفظ قدرت نظامی در واقع به معنای حفظ استقلال و تمامیت کشور است. هیچ کشوری نمی‌تواند با بی‌توجهی به شرایط امنیتی خود، در عرصه‌های بین‌المللی موفق باشد. در نهایت، قدرت نظامی نه تنها ابزاری برای دفاع است، بلکه عاملی کلیدی در تعیین سرنوشت یک ملت در دنیای معاصر به شمار می‌رود. ایران به‌عنوان یک قدرت نظامی برتر در منطقه، باید تمام تلاش خود را برای تقویت نیروهاییش به کار گیرد، تا بتواند در برابر تهدیدات خارجی مقابله کند و همواره در مسیر استقلال و آزادی گام بردارد. بدون شک، هرگونه تلاشی برای محدود کردن قدرت نظامی جمهوری اسلامی نه تنها بی‌پاسخ نخواهد ماند، بلکه می‌تواند به یک واکنش شدید و سرسختانه منجر شود. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران نباید و نمی‌تواند قدرت نظامی خود را به خطر بیندازد.



داده و شفافیت و مسئولیت‌پذیری شهرداری را تقویت کرده است. در شهرهای ایرانی هم، اولین قدم‌ها در این مسیر آغاز شده است. برخی از شهرداری‌ها در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند با برگزاری نشست‌های محلی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ایجاد کمیته‌های شهروندی، گام‌هایی در جهت مردم‌محوری بردارند. ولی هنوز این رویکرد در سطح گسترده و مستندسازی شده وجود ندارد. چرا؟ چون مشارکت شهروندی فقط به معنای حضور فیزیکی در یک جلسه نیست، بلکه شامل تصمیم‌گیری واقعی، شفافیت در اجرای تصمیمات و پیگیری نتایج هم هست. این امر نیازمند یک فرهنگ جدید در مدیریت شهری است. در واقع، مردم‌محوری در مدیریت شهری یعنی: - شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری دخیل باشند - نظرشان در برنامه‌های توسعه لحاظ شود - و احساس کنند بازیگر اصلی در آینده شهر هستند این نوع مدیریت، نه تنها به بهتر شدن خدمات شهری کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد و تعامل بین دولت و مردم هم منجر می‌شود.



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش



کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

کرده‌اند و نظرشان شنیده شده است، مشارکت‌شان در حفظ و توسعه شهر هم بیشتر خواهد شد. برای مثال، وقتی یک پروژه فرهنگی یا فضای سبز جدید در محله‌ای احداث می‌شود، اگر ساکنان محله در طراحی و اجرا دخیل باشند، احساس تعلق بیشتری به آن دارند و مراقب آن خواهند بود. این نوع مشارکت، تنها به بهتر شدن خدمات نمی‌انجامد، بلکه فرهنگ مسئولیت‌پذیری شهروندی را هم در جامعه تقویت می‌کند. همچنین، مشارکت شهروندی در مدیریت شهری به معنای گوش دادن به صدای مردم است. این شامل: - نظرسنجی‌های عمومی - جلسات مشورتی محلی - همکاری با تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی - استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های دیجیتال است. این روش‌ها به شهرداری‌ها کمک می‌کنند تا از نیازها و انتظارات واقعی مردم مطلع شوند و تصمیم‌هایی بگیرند که با شرایط واقعی زندگی مردم هماهنگ باشد. در کشورهایی مثل سوئد، هلند و ژاپن، شهرهای هوشمند و مردم‌محور با موفقیت به اجرا رسیده‌اند. در اینجا، شهروندان در تمامی مراحل طراحی و اجرای پروژه‌های شهری حضور دارند. این مدل، اعتماد عمومی را افزایش

